

زبان و ادب فارسی  
نشریه دانشکده ادبیات و  
علوم انسانی دانشگاه تبریز  
سال ۵۱، بهار و تابستان ۸۷  
شماره مسلسل ۲۰۷

## اسم و ضمیر در گویش تاتی کلاسور (Kalāsūr)\*

دکتر احمد اصغری\*\*  
Email: a\_asghari21@yahoo.com

### چکیده

مقاله حاضر تلاشی است در جهت حفظ و بررسی گویش‌های ایرانی که در حال فراموشی هستند. تاتی یکی از این گویش‌هاست که در روستای کلاسور کلپیر آذربایجان شرقی تعدادی بدان تکلم می‌کنند.

معرفی روستای کلاسور، موقعیت جغرافیایی و انسانی، نحوه زندگی مردم روستا، نمادهای آوانویسی، بررسی قواعد دستوری حاکم بر اسم و ضمیر گویش مذکور از قبیل: جنس، تعریف، عدد، ساده و غیرساده، مطابقت اسم با فعل، جمع و مفرد، ارگتیو، حالت‌های اسم، فلکسیون (صرف اسامی)، انواع ضمائر و حالت‌های دستوری آنها مهم‌ترین بحث‌های این مقاله هستند.

نکته مهم دیگر به کار گرفتن حروف اضافی پسین در این گویش است که واژه پیش از خود را متمم می‌سازد. سعی شده برای هر موردی مثال‌های کافی همراه با معادل فارسی آورده شود.

**واژه‌های کلیدی:** اسم، ضمیر، صفت، متمم، نهاد، ارگتیو، صرف اسامی، حروف اضافه.

\*- تاریخ وصول: ۸۶/۱۱/۲۳ تأیید نهایی: ۸۷/۱/۲۰

\*\*- دکتری رشته ایران‌شناسی - سازمان استعداد‌های درخشان

## مقدمه

بررسی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی پایه و مایه اصلی شناخت تاریخ، اقوام، قبایل، مردم، ارتباط ایرانیان با یکدیگر و با دیگر ملت‌ها، نام آبادی‌ها، کوه‌ها، رودخانه‌ها خاندان‌ها و... محسوب می‌شود.

دانش زبان‌شناسی به عنوان یکی از علوم جدید از این رهگذر بیشترین بهره را به خود اختصاص می‌دهد و به بالندگی خود می‌افزاید.

در این گفتار با اهداف ذیل به بررسی گویش تاتی یکی از روستاهای کلپیر آذربایجان به نام کلاسور (۱) پرداخته شده است: حفظ واژه‌های اصیل تاتی کلاسوری که در حال فراموشی است، بررسی و تحقیق یکی از گویش‌های ایرانی که در شمال غرب ایران زمین در منطقه ارسباران بدان تکلم می‌شود و با سایر گویش‌های خانواده زبان‌های ایرانی نزدیکی بسیاری دارد، صیانت و پاسداری از فرهنگ ملی به عنوان یک ایرانی، بیان نقش گویش‌های مختلف ایرانی در به وجود آوردن ادبیات فارسی کنونی، روشن ساختن گذشته ایرانیان و ارتباط نزدیک گویش‌های آنان، کمک به شناخته شدن یکی از گویش‌های اصیل ایرانی، کشف ارتباط این گویش با زبان‌های باستانی ایران.

## بحث: رابطه زبان‌های باستانی ایران و گویش تاتی

با توجه به تحقیقات صورت گرفته در حوزه گویش تاتی مناطق مختلف، ارتباط نزدیک این گویش با زبان‌های اوستا و پهلوی اثبات شده است که گویش کلاسور نیز از این نزدیکی بی‌بهره نیست. این مطلب با مقایسه واژگان تاتی کلاسوری با بعضی از واژه‌های اوستایی و پهلوی به وضوح اثبات می‌شود؛ البته وجود قواعد دستوری از قبیل: صرف اسامی و ضمائر هر چند به صورت محدود، مفعول منطقی (ارگاتیو) و تفاوت شناسه در فعل ماضی متعدی با فعل ماضی لازم، این ارتباط را بیشتر نمایان می‌سازد.

اوستایی	پهلوی	تاتی کلاسور	فارسی
aspa	asb	āsb	اسب
kaini	kanig	kina	دختر
ast	ast	āstā	استخوان
span	-	espa	سگ
vafra	vafɾ	vahar	برف
maxši	maxš	müz	مگس
Məɾəta	mard	merd	مرد
arša	-	aš	خرس
vəhrka	gurg	vārg	گرگ
siyāya	siyāh	siu	سیاه
vaenā	wēnig	veni	بینی
bumi	būm	būm	کشور - زمین
pasu	pah	pas	گوسفند
cāt	čāh	čul	چاه
dereza	-	dāržan	سوزن
zam	zamiḡ	zami	زمین
kahrka	kark	kārg	مرغ
kata	kadag	kar	خانه
grivā	grēw	geri	گردن
vadū	-	vayi	عروس
Čaxra	čaxrag	jahra	چرخ ریسندگی

نمونه‌هایی از ارتباط واژگانی زبان تاتی با اوستایی و پهلوی در ذیل ذکر می‌گردد:

### آوانویسی (transcription)

در آوانویسی از علائم بین‌المللی که اغلب زبان‌شناسان پذیرفته‌اند، استفاده شده است.

در حوزه واژگان هنگام جمع آوری واژه‌ها از روش گردآوری گویش‌ها استفاده شده. به این ترتیب که هر دسته از واژه‌ها را زیر نامی جداگانه جمع آوری سپس به ترتیب حروف الفبای لاتین، واژه‌های آذری آورده شده تا دسترسی به واژه‌ها ساده‌تر باشد و معادل فارسی کنونی هر کدام در مقابل آذری آنها ذکر گردیده است.

#### مصوت (Vowel)

ا = ü = اُزوم = خودم مانند صدای OW نو	ā = آ	a = ا
ا = ö = اُژم = انگور	i = ای	e = ا
ō : واو مجهول = گور = شور	u = او	o = ا
ē : ی مجهول = سیل = بیل = شیر		

#### صامت (Consonant)

m = م	q = غ	d = د	b = ب
n = ن	f = ف	r = ر	p = پ
v = و	q = ق	z = ز	t = ت
h = ه	k = ک	ž = ژ	j = ج
y = ی	g = گ	s = س	č = چ
δ = ذ	l = ل	š = ش	x = خ

#### اسم (Noun)

#### A. جنس (gender)

علامت خاصی ندارد، مفهوم و معنی واژه، مذکر و مؤنث بودن آن را مشخص می‌کند. یعنی مذکر بر جنس «نر» و مؤنث بر جنس «ماده» دلالت دارد.

«žan»	زن	«merd»	مرد
«kārg»	مرغ	«kalayü»	خروس
«kina»	دختر	«zura»	پسر
«nana»	مادر	«dada»	پدر

«vayie»	عروس	«yezna»	داماد
«müragü»(۲)	گاو ماده	«gü»	گاونر

**B. تعریف (definition)**

در این گویش هیچ ابزار خاصی برای معرفی کردن اسم وجود ندارد. مانند زبان فارسی اسمی که دارای علائم نکره نباشد معرفی است. معمولاً در اول اسامی معرفی از صفات اشاره استفاده می‌شود یا با مضاف واقع شدن معرفی می‌گردد. همچنین اسامی خاص یا اسمی که منادا واقع شود. مثال:

em merd	این مرد:
beruŝ	برادرش:
Ahmadi beru	برادر احمد:
yā Hosin	یا حسین:
āy zura	ای پسر:

\* (i) در آخر اسامی علامت نکره است.

dürami hestara	کوزه‌ای خریدم:
merdmi vinma	مردی را دیدم:

\* گاهی (ی) در زبان فارسی علامت نکره نیست بلکه حرف تعریف است. در این صورت به دنبال آن (که) ربط می‌آید. در زبان تاتی هم آن اسم با علامت نکره نمی‌آید. بلکه با علامت معرفی می‌آید.

این مرد که آنجا نشسته دوست من است.

a merd ke a qū nešta ave čāmān dusta

**C. عدد (number)**

در تاتی کلاسور مفرد و جمع وجود دارد. جمع برای بیش از دو به کار می‌رود و علامت آن (un) یا (e) در آخر اسم است. مردان: merde زنان: žane درختان: dure لباس‌ها: ulate بزغاله: bezaun خروس‌ها: kaLayüun بزها: bezun لباس‌ها: ulatun خانه‌ها: karun بچه‌ها: herdanun بچه گوسفند: varaun مرغ‌ها: karqun

\* اگر واج پایانی اسم ، مصوت باشد صامت میانجی «y» می گیرد.

kinaye	: دختران	kina	: دختر
zuraye	: پسران	zura	: پسر
sāndulaye	: کفش‌ها	sāndula	: کفش

\* گونه‌های جمع ضمائر از صورت‌های صرفی مستقل هستند.

ema	: اینها	em	: این	av	: آنها	a	: آن
-----	---------	----	-------	----	--------	---	------

\* حروف اضافه و ربط جمع بسته نمی شوند.

\* اسم جمع: اسم‌هایی هستند که بر بیش از یکی دلالت دارند و علامت جمع در آنها ذکر نمی شود.

dāsda	: دسته	kārvan	: کاروان
-------	--------	--------	----------

\* در گویش تاتی واحد شمارش یا ممیز کاربرد ندارد.

duri	: یک اصله درخت
pasi	: یک رأس گوسفند
pinj merd	: پنج نفر مرد

\* برای نشان دادن «یک» از «i» استفاده می شود.

čaraki	: یک چارک
etuqi	: یک اتاق
lahzayi	: یک لحظه

## D. ساده و غیرساده

اسامی ساده در این زبان از یک تکواژ آزاد قاموسی تشکیل یافته‌اند که غلبه با این اسامی است.

āngeša	: انگشت	āste	: استخوان
geri	: گردن	čāš	: چشم
āraqa	: آسیاب	kurda	: کارد، چاقو

\* اسامی غیر ساده بیش از یک تکواژ دارند که می‌تواند آزاد قاموسی یا تکواژ وابسته (وند) باشد.

sare lex	یرقان:	taila sar	شقیقه:
ham ju q̄	هم ولایتی:	āstāi laga	مفصل:
čašr u	اشک:	ura čāš	چپ چشمی:

### E. اسم عام و خاص

اسم عام: اسمی است که هم نوع خود را شامل شود.			
Šit	شیر:	göšt	گوشت:
vel	گل:	dü	دوغ:
اسم خاص: اسمی است که بر فرد یا چیز معینی دلالت کند.			
	dira		کوه بلند روبروی روستا
	pešte kir		اسم مکان:
	Tānažar		نام کوهی:
	kalāsur		نام روستا:

### F. اسم مصغر

در تاتی کلاسور علامت تصغیر وجود ندارد فقط پیش از اسم از کلمات «nim ، güda» استفاده می‌کنند.

Güda kina	دختر کوچک:
güda bero	برادر کوچک:
güda bāji	خواهر کوچک:
nim šalte	تشکچه:

### مطابقت اسم با فعل

زمانی که اسم، نهاد جمله باشد با فعل از نظر افراد و جمع و شخص مطابقت می‌کند.

šemen qazār hārruna.	شما غذا را خوردید.
mān öšdān utma.	من خودم گفتم.
mān avem zemi ānda vinma.	من او را در مزرعه دیدم.
sevešun av dur čenirčuna.	سیب‌ها را از درخت چیدند.
av merde v av žane čuk end.	آن مردان و زنان خوب هستند.
te eniš aešde.	تو بلند می‌شوی.

### ارگتیو (ergative)

ساختمان ماضی متعدی را اصطلاحاً ارگتیو می‌گویند که در آن عامل برابر با فاعل واقعی (منطقی) و مفعول واقعی (منطقی) برابر با فاعل دستوری است. به عبارت دیگر فعل با مفعول واقعی که از نظر دستوری فاعل دستوری به شمار می‌آید مطابقت می‌کند نه با فاعل واقعی که عامل است. (۳) مثال از زبان پهلوی:

man mardān did hend	من مردان را دیدم.
*در تاتی کلاسور گاهی ارگتیو مشاهده می‌شود که فعل از نظر شخص با مفعول مطابقت دارد و ضمائر پیوسته به آخر مفعول اضافه می‌گردند.	
amen seqmun čuli ru fitčuna.	ما سنگها را به چاه انداختیم.
amen karmun vinča.	ماخانه را دیدیم.

### حالت (case)

#### نقش‌های اسم در زبان تاتی:

۱- نهادی (nominative): به سه گروه تقسیم می‌شود.

الف- فاعلی: مانند:

mān avem zemiānda vinma.	من او را در مزرعه دیدم.
ešde <u>zura</u> čeva q̄t madrasay kün marania?	پسرت کی از مدرسه به خانه می‌آید؟
<u>ki</u> māneš q̄ādazāng.	چه کسی مرا صدا کرد؟
<u>Ali</u> sabu serania.	علی فردا صبح می‌رود.



**ب - مسند الیهی:** مربوط به جمله‌هایی است که دارای فعل اسنادی هستند.

siu ānger šerin a.	انگور سیاه شیرین است.
a merdi kur qalaba čuk a.	کار آن مرد بسیار خوب است.
kar pista yaka bü.	اطاق باید بزرگ باشد.
mān nāsāz berim.	من مریض شدم.

**پ - نایب فاعل:** مربوط به جمله‌های مجهول است که مفعول جمله معلوم در جایگاه نهادی ظاهر شده است.

sev bera hārde.	سیب خورده شد.
qesa bera ute.	سخن گفته شد.

**۲- مفعول صریح:** اگر نهاد جدا، ذکر نشود و مفعول ابتدای جمله قرار گیرد یا مفعول به همراه صفت باشد، بدون علامت است.

šemen čuk enim senuste.	* (eš) یا (ru) گاهی همراه مفعول است.
āsbi leng čeyāna babāster?	شما را خوب می‌شناسم.
amen ketob ru bārmuna.	پای اسب را با چه می‌بندی؟
masmake te ru karbaden ku žairu fitčuna.	ما کتاب را بردیم.
Hasan Ališ baqānda vinča.	شنیده‌ام که تو را از خانه بیرون کرده‌اند.
krum kareš öšdān dučča.	حسن علی را در باغ دید.
	کدام خانه را خودش ساخت.

\* گاهی «ru» علامت مفعول به صورت «run» تلفظ می‌شود.

pas run detra?	گوسفند را دوشیدی؟
----------------	-------------------

\* گاهی ضمائر پیوسته به مفعول اضافه می‌شود که از لحاظ نحوی به نهاد مطابقت دارد.

mān karem vinmu.	من خانه را دیده بودم.
te karer vinru.	تو خانه را دیده بودی.
av kareš vindu.	او خانه را دیده بود.

amen karmun vinmuna.	ما خانه را دیده بودیم.
šemen karrun vinruna.	شما خانه را دیده بودید.
ave karčun vinčuna.	آنها خانه را دیده بودند.

### متمم

واژه‌ای که به همراه یک حرف اضافه ذکر می‌شود در تاتی کلاسور حرف اضافه بعد از متمم می‌آید (بر خلاف زبان فارسی). مشهورترین حروف اضافه عبارت‌اند از:

kaš avval ānda ave ru haqiqatem beutaye.	ای کاش از همان اول حقیقت را به او گفته بودم.
čeru emru madrasay ru nešeriš	چرا امروز به مدرسه نرفتی؟
mān ru livānai beda	یک لیوان آب به من بده.
tāte kü hušbabe šerum.	از گرما بی‌هوش شدم.
em merd a merd kü javun a.	این مرد از آن مرد جوان‌تر است.
emi mān kü mapārest.	این را از من بپرس.
hame av kün nārāzin	Kün (از)
ar šemen čuka tekün nišun vind.	همه از او ناراضی هستند.
eni kü pašte šemen kün hiččusdan eni	او از شما جز نیکی ندیده است.
mān Ali kün pulem qādā qar	دیگر هرگز از شما چیزی نخواهم خواست.
mān avem zamiānda vinma.	من از علی پول قرض گرفتم.
šemen tustun ānda qalaba miva enir hestare yā zemestun ānda	Ānda (در) (locative) مفعول‌فیه (مکانی)
zemestun ānda bare panjarun babāstemun.	من او را در مزرعه دیدم.
	شما در تابستان بیشتر میوه می‌خرید یا در زمستان.
	زمستان در و پنجره را می‌بندیم.
	این حرف اضافه بیشتر به اسم‌هایی اضافه می‌شود که متمم قیدی می‌سازند.
	Āna (با) (instrumental) مفعول معه

mān öšdānir āna bišba. مرا با خودت ببر.

bu mān āna bešām čaveyān ru. بیا با من بریم پیش او.

mān te ān من با تو نخواهم آمد.

ما بیشتر با اسب از ده به شهر می آییم.

amen qalaba āsbi āna di baben šāhāri ru enemun umare.

بنابه نوشته دکتر منوچهر مرتضوی در زبان دیرین آذربایجان ذیل نکته‌ای چند از زبان هرزنی ص ۶۹ «در زبان فارسی دری یا فارسی امروزی» شکل اسم در حالات مختلف ثابت است و حالت اسم را در جمله با حروفی مستقل و جدا از اسم نشان می‌دهند؛ چنانکه برای نمودن حالت مفعولی اسم (accusative) حرف بعد از اسم می‌آید و برای نشان دادن حالت مفعول غیر صریح (dative) حرف «به» و برای حالت مفعول منه (ablative) حرف «از» و برای حالت مفعول فیه (locatif) حرف «در» بر سر اسم واقع می‌شود ولی در زبان‌های کهن ایرانی یعنی «فارسی باستان» و زبان «اوستایی» اسامی هم صرف می‌گردند. و در هر یک از حالات هشتگانه، اواخر اسامی تغییر می‌یابد و هر یک از این حالات هم در افراد و تشبیه و جمع فرق می‌کند. جالب‌ترین و مهم‌ترین نکته‌ای که در زبان «هرزنی» به نظر می‌رسد و می‌توان آن را بزرگ‌ترین حلقه اتصال و پیوستگی «زبان هرزنی» با لهجه‌های کهن ایران باستان و نشانه کهنگی آن دانست صرف و تغییر اواخر اسامی در حالات هشتگانه است.»

با توجه به تغییر پایان اسامی در نقش‌های متفاوت دستوری در زبان تاتی کلاسور، به نظر می‌رسد که این پسوندهای پایانی اسم‌ها، حرف اضافه‌های پسین باشند که به معنی‌های ذکر شده آمده‌اند. و این بخش از کلام به صرف اسامی ارتباطی نداشته باشد. فقط یک حالت ساختگی هستند که از الحاق اسم و حرف اضافه پسین ساخته شده‌اند. (۴) اگرچه منکر صرف اسامی در زبان تاتی نیستیم در بخش دیگری از آن سخن گفته شده است.

### اضافی (genitive)

بر خلاف زبان فارسی در زبان تاتی ابتدا مضاف‌الیه و سپس مضاف می‌آید. چنانچه مضاف‌الیه به صامت ختم نشود در پایان آن «e» می‌آید و در صورتی که به مصوت ختم شود «y» می‌آید. به طور کلی علائم اضافه عبارت‌اند از «e، y».

گاهی در تلفظ «e» را به صورت «i» تلفظ می‌کنند.

kar e bare	در خانه
pas e mü	موی گوسفند
hayāt e čero	چراغ حیاط
Hasan e kelu	کلاه حسن
har e palun	پالان خر
āsb e nexda	افسار اسب
pun e veqal	چوب سقف
pü y rāng	رنگ دیوار
müragü y leng	پای گاو ماده
qaba y žare	زیر فرش

\* در صورتی که مضاف الیه ضمیر جدا باشد، هیچ علامتی ندارند:

čamen kar	خانه ما
čavun ketob	کتاب آنها

\* در صورتی مضاف الیه ضمیر پیوسته باشد مضاف الیه به دنبال مضاف می‌آید و علامتی

ندارد:

herdanim	بچه‌ام
herdanirun	بچه‌تان
herdanimun	بچه‌مان

### صفت (adjective)

به عنوان یک نقش دستوری پیش از موصوف می‌آید و علامت آن «a» در آخر صفت

است.

esbi a āsb	اسب سفید
čuk a merd	مرد خوب
qenjin a šaye	پیراهن قشنگ
zārd a ulat	لباس زرد

**منادا (vocative)**

در تاتی کلاسور علامت خاصی ندارد. فقط از نحوه تلفظ آن مشخص می‌شود.

خدایا به دادم برس. xedo amen raje bediāšt.

حسن بیدار شو. Hasan uqu be.

بچه حرف نزن! herdan qesa maka

دختر گوسفندها را بیاور! kina pasun bia.

\* گاهی به اول منادا «āy» و «yā» می‌آورند که تحت تأثیر فارسی امروزی یا ترکی است.

ای مرد اینجا بیا! āy merd ber engü!

ای برادر کجا می‌روی؟ āy beru čeren qūira eniš šere?

یا علی yā Ali !

**ضمایر (pronouns)****A. ضمایر شخصی (personal pronouns)**

ضمایر شخصی به دو بخش تقسیم می‌گردند: جدا «منفصل» (independent) و پیوسته

«متصل» (enclitic)

**A-1. ضمایر جدا، سه دسته هستند:**

\* گروه اول به صورت نهاد جدا در آغاز جمله‌ها ذکر می‌شوند که برای سه شخص

مفرد و سه شخص جمع به ترتیب زیر صرف می‌شوند.

mān «من»، te «تو»، av «او»، amen «ما»، šemen «شما»، ave «آنها»

من کتاب را برداشتم. mān ketobem qaretmape.

او چراغ خرید. av čeroš hesdara

آنها پیراهن‌ها را شستند. ave šaiyešun šesčuna.

تو مدادها را بردی. te medāde ru bārra.

\* گروه دوم: ضمایر جدای پیش از فعل که در جایگاه شناسه در فعل‌های ماضی

استمراری و مضارع اخباری ظاهر می‌شوند.

در ماضی استمراری به ترتیب عبارت‌اند از: avumun, avu, avuš, avum, avur, avund.

- mān avum šere. من می‌رفتم.
- ave avund hete. آنها می‌خواستند.
- \*در مضارع اخباری به ترتیب عبارت‌اند از: «avind avir, enemun ava, eniš, enim».
- mān qazām enim harde. من غذا می‌خورم.
- šemen velen ru evir. شما گل‌ها را می‌بوید.
- te ketobe eniš barda. تو کتاب می‌بری.
- \* گروه سوم: ضمائر جدا که در نقش‌های دستوری مفعولی، متممی، مضاف‌الیهی ظاهر می‌شوند.
- ۱- مفعولی: همان ضمائر نهادی جدا هستند که با توجه به نهاد جدا صرف می‌شوند: یعنی به آنها ضمائر پیوسته‌ای الحاق می‌شود که از لحاظ شخص و شمار برابر با فاعل جمله است.
- mān avem vinma. من او را دیدم.
- te avir vinra. تو مرا دیدی.
- v māneš vinča. او مرا دید.
- amen avmun vinmuna. ما او را دیدیم.
- šemen mānrun vinruna. شما مرا دیدید.
- ave mānčun vinčuna (5) آنها مرا دیدند.
- ۲- متممی: همان ضمائر نهادی و مفعولی هستند که به همراه حرف اضافه می‌آیند. این ضمائر صرف نمی‌شوند.
- mān av kü tārestim. من از او می‌ترسم.
- av mān kü tāresta. او از من می‌ترسد.
- ave av kü tārestind. آنها از او می‌ترسند.
- ۳- مضاف‌الیهی: این ضمائر جدا به ترتیب عبارت‌اند از: «amān» (من)، «ešde» (تو)، «ave» (او)، «čamen» (ما)، «šemen» (شما)، «čavun» (آنها).
- \* این ضمائر پیش از مضاف می‌آیند. (اساساً در گویش تاتی، مضاف‌الیه قبل از مضاف می‌آید.)

čamen kar čuk a.	خانه ما خوب است.
čāmān ketobeš qāretepe.	کتاب مرا برداشت.
čave ketobeš qāretepe.	کتاب او را برداشت.

#### 4-2 ضمایر پیوسته (enclitic pronouns)

این ضمایر به صورت شناسه در آخر افعال و یا به صورت مضاف‌الیه پیش از اسم ذکر می‌شوند.

۱- نهادهی: به صورت شناسه (decinences) در پایان فعل ذکر می‌گردد و با توجه به زمان افعال متفاوت هستند. البته این ضمایر پیوسته به همراه ضمایر مفعولی جدا هم به کار می‌روند.

۱-۱ ماضی ساده لازم: به ترتیب عبارت‌اند از: «ind, ir, mun, a, iš, im» که به پایان بن ماضی ملحق می‌گردد.

zir hamamun nesu ru serimun.	دیروز همگی به جنگل رفتیم.
havek em šaye deresta.	حیف این پیراهن پاره شد.
te ave kü tārestiš	تو از او می‌ترسی.

۲-۱ ماضی ساده متعدی: به ترتیب عبارت‌اند از: «čuna, rund, muna, ča, ra, ma» به آخر بن ماضی اضافه می‌گردد.

em šaye keren p̄ü hesdarra.	این پیراهن را از کجا خریدی.
Hasan Ališ vinča.	حسن علی را دید.
krum kareš ošdān dučča.	کدام خانه را خودش خرید.

šmen qazārun hārruna. شما غذا خوردید.

\* شناسه‌های ماضی نقلی در لازم و متعدی همانند ماضی ساده هستند.

۳-۱ ماضی بعید لازم: به ترتیب عبارت‌اند از: «und, uš, mun, u, uš, um» به آخر بن ماضی افزوده می‌شود.

amen žātemun.	ما رسیده بودیم.
av neštu.	او نشسته بود.

- \* سوم شخص مفرد همه فعل‌های ماضی تاتی بر خلاف زبان فارسی شناسه دارند.
- ۴-۱- ماضی بعید متعدی: به ترتیب عبارت‌اند از: «čuna, runa, amuna, ču, ru, mu» (۶)
- mān p̄azām hārmu. من غذا خورده بودم.
- mān avem nevindmu. من او را ندیده بودم.
- durami hesdarčuna. کوزه‌ای خریده بودند.
- ۵-۱- مضارع التزامی: شناسه‌های این فعل به آخر بن مضارع اضافه می‌گردد که در لازم و متعدی یکسان هستند این شناسه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: «end, ir, ān, i, em»
- a kure aviš vinde karir baben bešem. این کارها را می‌کنی که از خانه‌ات بروم.
- te eniš nešde em di ānda a di ru beši. تو می‌خواهی از این روستا به آن روستا بروی.
- ۶-۱- فعل امر: برای دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع کاربرد دارد. دوم شخص مفرد فاقد شناسه است اما دوم شخص جمع آن با شناسه «ān» در پایان بن مضارع ساخته می‌شود.
- be bramān گریه کنید.
- emšav āš hurka. امشب آش بخور.
- bari umaka در را نبند.
- be utān. بگویید.
- ۷-۱- آئینده: شناسه‌های این فعل همان شناسه‌های ماضی ساده لازم است.
- av šerania. او خواهد رفت.
- šemen qazā hārdani ir. شما غذا خواهید خورد.
- \* بر اساس علم زبان شناسی فعل‌های بی‌شناسه تکواژ Ø (صفر) دارند.
- ۲- مضاف الیهی: به ترتیب عبارت‌اند از: «ind, irun, imun, iš, ir, im»
- sāndulair tez puka. کفش‌هایت را زود بپوش.
- mān dadaš kešma. من پدرش را کشتم. (۷)
- čand rüz a ke zahunim qalaba ave dašte. چند روز است که زانویم خیلی درد می‌کند.

#### B. ضمائر اشاره (demonstrative pronouns)

em «این» و «آن» به ترتیب برای نزدیک و دور کاربرد دارد. مثال:



em čey a?	این چیست؟
a durž a.	آن روستایی است.
em uni a.	این دارای آب است.
* ضمائر اشاره در نقش مفعولی صرف می‌شوند و تقریباً همان ضمائر شخصی مضاف الیهی را می‌پذیرند. به ترتیب عبارت‌اند از: «em, er, eš, emun, arun, čun» مثال:	
em <u>em</u> hārma.	این را خوردم.
amen em <u>mun</u> sendermuna.	ما این را شکستیم.
ave em <u>čun</u> harčuna.	آنها این را خوردند.
به جای «a» از «av» استفاده می‌کنند.	
mān avem senderma.	من آن را شکستم.
* ضمائر اشاره جمع بسته می‌شوند. em «این»، eme «اینها»، a «آن»، ave «آنها».	
* ezan «چنین»، azan «چنان» ضمیر اشاره محسوب می‌شوند.	
* زمانی که ضمائر اشاره مفعول جمله واقع شوند و به صورت جمع به کار بروند نهاد پیوسته فعل (شناسه) با آنها مطابقت می‌کند. (رک. «ارگتیو»)	
mān avem hārdind.	من آنها را خوردم.
te aver hārdind.	تو آنها را خورد.
av avunčun hārdind.	او آنها را خورد.
amen avemun hārdind.	ما آنها را خوردیم.
šemen aver hārdind.	شما آنها را خوردید.
ave avešun hārdind.	آنها آنها را خوردند.

### C. ضمائر مشترک:

برای تمامی اشخاص «öšdān» به معنی خود و خویش به کار می‌رود.	
öšdān utm.	من خودم گفتم.
te öšdān utra.	تو خودت گفتی.
amen öšdān enimun nevešte.	ما خودمان می‌نوشتیم.

av öšdān aveuta. او خودش می گوید.  
ave öšdān avend umare. آنها خودشان می آیند.

#### D. ضمائر پرسشی (interrogative pronouns)

برای سؤال در مورد یکی از ارکان جمله به کار می روند. عبارتند از: ki «چه کسی»، čeva q̄ t «کی - چه وقت»، kern «کدام»، čeru «چرا»، čaiš «چه»، kereqū «کجا»، kera «کو»، čelan «چگونه»، čeqada «چقدر».

ki umara? چه کسی آمد؟  
čeva q̄ t teš vinda? کی تو را دید؟  
\*چنانچه ضمائر پرسشی مفعول واقع شوند، ضمائر پیوسته پایانی آنها با فعل مطابقت نمی کند.

šemen kirun vinruna? شما چه کسی را دیدید؟  
te krumeš q̄ aretra? تو کدام را گرفتی؟  
\* ضمائر پرسشی در حالت استفاده از بن مضارع به همان حالت اصل خود باقی می مانند.  
te ki eniš vinde? تو چه کسی را می بینی؟

#### نتیجه

- ۱) انسجام قواعد دستوری با توجه به عدم استفاده از این زبان به صورت نوشتاری.
- ۲) ارتباط قواعد دستوری این گویش شمال غربی ایران با قواعد دستوری گروه خانواده زبان های ایرانی شرقی.
- ۳) صرف وجود واژه های اصیل اوستایی، فارسی باستان، زبان های ایرانی میانه با تحوّل و دگرگونی.
- ۴) اسم و ضمائر در نقش مفعولی.
- ۵) وجود حرف اضافه های پسین که شاید تقلید نادرستی از حالت های هشتگانه فارسی باستان باشد.
- ۶) نفوذ اندک واژه های ترکی در این گویش، با وجود تسلط ترکی در منطقه.
- ۷) استفاده از «و» و «ی» مجهول و معروف.

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- برای معرفی کامل کلاسور- رک. فعل در گویش کلاسور- نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، بهار ۸۵ (ویژه زبان)
- ۲- ظاهراً به اول این واژه صورتی از mā (صفت کهن به معنی ماده) افزوده شده که بیانگر جنس است. رک. سایه‌های شکار شده از استاد دکتر بهمن سرکاراتی، صفحه ۳۱۹، ترجمه مقاله زبان کهن آذربایجان از هنینگ.
- ۳- زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن - ذیل طرح اجمالی دستور زبان پهلوی، ژاله آموزگار، احمد تفضلی، نشر معین تهران، ۱۳۷۳، چاپ اول، ص ۶۷
- ۴- رک. سایه‌های شکار شده از دکتر بهمن سرکاراتی، صفحه ۳۳۰، ترجمه مقاله زبان کهن آذربایجان از هنینگ
- ۵- لاقه‌های پیوسته پایان ضمائر مفعولی به ترتیب عبارت‌اند از: «run, mun, eš, ir, em», «čun
- ۶- شناسه ماضی بعید متعدی در اشخاص سه گانه جمع همانند ماضی ساده متعدی است. شناسه‌های ماضی التزامی همانند ماضی بعید است.
- ۷- گاهی اگر ضمائر پیوسته مضاف الیهی به دنبال اسم منتهی به مصوت بیابند «i» آنها حذف می‌شود.

## منابع فارسی: (غیر مستقیم)

- ۱- ارانسکی. ۱۳۵۸، مقدمه فقه‌اللغه ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران.
- ۲- اصغری، احمد. بهار ۱۳۸۵، فعل در گویش تاتی کلاسور، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۴۹، شماره مسلسل ۱۹۸.
- ۳- دانش‌نامه ایران و اسلام، تهران ۱۳۵۴.
- ۴- ذکا، یحیی. ۱۳۷۹، جستارهایی درباره زبان مردم آذربایجان مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران.
- ۵- زبان فارسی در آذربایجان، از نوشته‌های دانشمندان و زبان‌شناسان، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، شماره ۴۱، جلد دوم، چاپ اول، تهران ۱۳۷۳.
- ۶- کاتبی، حسینقلی. ۱۳۶۹، زبان‌های باستانی آذربایجان، چاپ مروی، انتشارات پاژنگ، تهران، چاپ اول.
- ۷- کارنگ، عبدالعلی. ۱۳۳۳، تاتی و هرزنی، چاپ شفق، تبریز.
- ۸- کلباسی، ایران. ۱۳۶۷، ارگاتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، مجله زبانشناسی، سال پنجم، شماره دوم.
- ۹- کلباسی، ایران. ۱۳۸۱، نقش و جای شناسه فعلی و ضمیر پیوسته در گویش‌های ایرانی، مجله زبانشناسی، سال هفدهم، شماره اول.
- ۱۰- کسروی، احمد. ۲۵۳۵، آذری یا زبان باستان آذربایجان، نشر و پخش کتاب، تهران.
- ۱۱- مارکوارت. ۱۳۷۳، ایران شهر، ترجمه دکتر مریم میراحمدی، انتشارات اطلاعات، تهران.
- ۱۲- مرتضوی، منوچهر. ۱۳۴۲، فعل در زبان هرزنی، دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز.
- ۱۳- مرتضوی، منوچهر. ۱۳۶۰، زبان دیرین آذربایجان، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران.
- ۱۴- مرتضوی، منوچهر. ۱۳۵۳، چهره آذربادگان در آینه تاریخ، مقاله زبان آذربایجان، تبریز.
- ۱۵- ملک‌الشعرای بهار. ۱۳۶۹، سبک‌شناسی، انتشارات امیرکبیر، تهران.

۱۶- مولایی، چنگیز. اردیبهشت ۱۳۸۰، بقایای چند ساخت کهن دستوری در دستگاه فعل برخی از گویش‌های ایرانی نو، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران، ۹-۱۱.

### منابع انگلیسی

- 17- W. B. Henning. *The Ancient Language of Azerbaijan*, 1954.  
 18- Yarshater, Ehsan. *A grammar of southern TATI dialects*. 1969, The Hague, Paris.

